

آمیولانس

اصلا چه کاری است؟



پوریا عالمی

● از آمیولانس چی خواسته‌اند حالا که در هر امری دخالت می‌کند به فوتبال هم ورود کند. به همین مناسبت راهکارهای زیر را ارایه می‌کنیم:

بهترین سیستم بازی برای ما علاوه بر ده یک، سیستم ۱۰ بر یک است. یعنی هر ۱۰ بازیکن ما بریزند روی یک بازیکن حریف و خلاص.

البته می‌توان شبیه سیاسون ائتلاف ۲+۱ کرد اما از سیستم ۱+۱+۱ استفاده کرد و علاوه‌بر حریف، خودمان را هم غافلگیر کنیم.

به نظر ما برای ایجاد انگیزه [...] و [...] را به‌صورت نمادین وارد بازی کنیم.

از قدیم می‌گویند بهترین دفاع حمله است. مامی گویم بهترین حمله دفاع است.

اگر قرار است ما قهرمان جهان شویم و دوره بعد مثل اسپانیا که مدافع عنوان قهرمانی بود چنان [...] شویم که لایه ازن به چشم نیاید، اصلا چه‌کاری است؟ بهتر است بچه‌ها همین الان برگردند خانه.

چون چندسال پیش یکی از کارکنان سفارتخانه در استخری در برزیل دچار اختلاف فرهنگی شده بود، پیشنهاد می‌کنیم اختلافاتی را که در تیمی هست بی‌خیال شویم. برای همه بهتر است.

با توجه به اینکه گل کوچیک ما بهتر از فوتبال زمین چمن است، به نظر ما کی‌روش با گذاشتن دو پاره‌اجر در وسط دروازه حریف، بچه‌ها را به اصل خودشان برگرداند.

پیامک‌های صبح شنبه

بهانه‌ای برای بخشیدن



شهاب‌الدین طباطبایی

● امروز، روز خوبی است برای بخشیدن، فراموش کردن، دوست‌داشتن، عاشق‌شدن، شادبودن بی‌هیچ دلیلی، آخرین شنبه بهار خودش بهانه‌ای است برای همه اینها. لطفا دنبال دلیل نگردید.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۳ = ۲۳ شعبان ۱۴۳۵ = ۲۱ ژوئن ۲۰۱۴ سال یازدهم = شماره ۱۶۰۴۴ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۲۰:۴۵ • اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۴

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

علی جهانشاهی

اعتیاد علت ۵۵ درصد از طلاق‌ها



سلام به فردا

به مناسبت روز جهانی اهدای عضو

یادگارهای ما در بدن دیگران



امین تارخ

اگر آن فرد اهل ورزش باشد، به‌عنوان فردی شاخص در عرصه ورزش، حتما افتخاراتی به‌یادگار گذاشته است. یا اگر هنرمند باشد، آثار هنری‌اش یادگارهایی هستند که از او باقی می‌ماند. اما از همه اینها ارزشمندتر برای یک انسان، به‌یادگار گذاشتن بخشی از جسم خودش در جسم و جان فرد دیگری است که حیانش وابسته به آن عضو است. این کمترین کاری است که ما به‌عنوان یک انسان در قبال حیات فردی دیگر، در هنگامه ممات خودمان می‌دارد، یادگاری‌هایی است که از خودش باقی گذاشته.

اتفاق

در حاشیه جایزه ادبی کرمانشاه

به سوی پایتخت‌های ادبی ایران

استانداردهای جهانی برسد، در مقیاس جغرافیایی جهانی، ادبیات شهرستانی و حاشیه‌ای می‌شود و می‌میرد. بازکردن این بحث در اینجا ضرورتی ندارد. الان مسأله رسیدن به ادبیاتی ملی است؛ ادبیات ملی‌ای با بوم‌ها و اقلیم‌ها و زبان‌ها و فضاهای داستانی متفاوت و رنگارنگ؛ رقابت بین فرهنگ و زبان برای خلق آدم‌ها و دنیاهای متفاوت؛ کشش و کشاکش بین شهرها و پایتخت ادبی ایران، تهران. در این رقابت‌ها باید پایتخت‌های ادبی جابه‌جا و دست‌به‌دست شود و هر بار به فراخور ظهور نویسندگان و ارزش آثار خلق‌شده این تغییر در مرکز ادبی اتفاق بیفتد. اینکه کسی بیاید در تهران، پایتخت ادبی ایران مطرح شود، عیب نیست. یعنی برای نویسنده ملی شدن حتما باید از تهران بگذرد. عیب بسیار این است که این اتفاق باید برعکس هم بیفتد که تاکنون نیفتاده است. چرا برای نویسنده ملی شدن نباید از کرمانشاه، اصفهان، بوشهر، کرمان یا مشهد گذشت. هرچه زودتر باید این اتفاق بیفتد تا ادبیات ما از مرز ادبیات ملی بگذرد و به جهانی‌شدن نزدیک شود. ترجمه یک یا چند اثر هم می‌تواند ادبیات ما را جهانی کند؛ اما نمی‌تواند برای ادبیات ما جریانی جهانی به‌وجود آورد.



احمد غلامی

به رقابت خود بطلیند. بحث اصلی در همین نکته است. چرا استان‌های مهم کشورمان مثل مشهد، کرمان، اصفهان، کاشان، شیراز، تبریز و... نمی‌توانند از نمی‌خواهند به قطب‌های ادبی ایران تبدیل شوند. در پارامی زمان‌ها شیراز، اصفهان و بوشهر توانستند جایگاه ویژه‌ای در ادبیات ایران پیدا کنند و حتی اگر بگویم برخی از نویسندگان آن دیار توانستند مجتهد ادبی شوند، اعراق نکرده‌ام. اما آنها هم به میل خود یا ناچار در پایتخت ادبی تهران جذب و هضم شدند. این اتفاق، عیب یا نقصان نیست؛ اما آنچه ادبیات ایران به آن نیاز دارد ادبیاتی فراگیر و ملی است و مهم‌تر از آن، ملی شدن ادبیات شهرستانی است. آگاهانه از واژه شهرستانی استفاده کرده‌ام تا با ادبیات بومی و اقلیمی اشتباه نشود. ادبیات شهرستان، یعنی ادبیات حاشیه‌ای، یعنی درحاشیه‌مآندن و به‌حاشیه‌ها پرداختن. یعنی ادبیاتی که هرگز نمی‌تواند فراگیر شود. ادبیات شهرستانی از این جهت با ادبیات اقلیم‌ا- بومی فرق دارد که ادبیات بومی پتانسیل فراگیرشدن ملی و جهانی‌شدن را دارد. از همین‌جا می‌خواهم به نکته‌ای مهم‌تر اشاره کنم که ادبیات ملی هم اگر نتواند خودش را در عرصه جهانی تعریف و معنا کند و به

پشت‌جلد

«شنیدن» راز پیشرفت جامعه است



کریم ارغنده‌پور

شود. درباره نهاد قدرت مادامی که جامعه به طور جدی چنین مطالبه‌ای نداشته باشد، نمی‌توان انتظار زیادی داشت ولی انتظار ابتدایی از نخبگان است. فرهیختگان جامعه -در معنای عام آن- باید بدانند بیشترین قشری که «نیاز» به شنیدن دارد اول خود آنها هستند. هم باید سخن افراد جامعه را بشنوند و هم آرا و نقد یکدیگر را. متأسفانه باید یادآور شد، فرهنگ شنیدن در فرهیختگان ما هم چندان رشدیافته نیست. جزیرهای‌شدن ساحت اندیشه و قطع راه‌های ارتباطی و لوازم گفت‌وگو امکان‌پذیری آن را دشوارتر کرده است. به میزانی که این نوع از گفت‌وگو کمیاب‌تر باشد به همان اندازه هم سرعت قطار اندیشه کندتر و در نتیجه امکان پیشرفت نیز کمتر است. روزهای گذشته برخلاف این موج، اتفاقی مثال‌زدنی و برجسته در این عرصه افتاده که حیف است در اینجا به



بچه‌های مت‌کریم...



سیستم مولتی V (سری ۴)

پیشرفته ترین سیستم سرمایش و گرمایش

مرکزی – مستقل

دفتر فروش
۰۲۱-۲۲۲۲۲۲۸۵
www.Goldiranac.com

گلدیران
تهویه

قلم‌انداز

حکایت



سیروس ابراهیم‌زاده

رفت سراغ یک راننده کامیون که پسر مصدر عموجان سرهنگ من بود. می‌گفت و به پهنای صورت اشک می‌ریخت. گفتم هاجر خانم! تو را به خدا این قدر بی‌تابی نکن. این مرد عاشق بی‌قرار شماس.ت. هرجا رفته باشد یک روز برمی‌گردد. مثل کفتر جلد. باور کن دوروز دیگر از این هوا و هوس زود گذر خسته می‌شود و می‌آید به پای شما می‌افتد. پشت‌سرش هم بدوبیراه نگاهو! هرچه باشد داماد حضرت ابوی و آدم اسم و رسم‌دار و مورد احترام خیلی‌هاست. گفتم خب، البته می‌بخشید که رک و راست حرف می‌زنم. اگر این لجن و لچپارها که پشت‌سرش پخش‌ویلا می‌کنید به گوشش برسد، از شما زده می‌شودها!!... گفتم باید صبور باشید. زمان خیلی



داشتند. بیش از ۳۰ قصه‌گو، داستان‌های شاهنامه را در بخش‌های مختلف جشن تعریف کردند. در این مراسم شاهد پرده‌خوانی کودکان و نوجوانانی بودیم که بعضی از آنها اولین تجربه‌های اجرای خود را داشتند. برنامه‌های موسیقی با سازهای شاهنامه‌ای نیز وجود داشت. علاوه بر

گزارش

جشن آشنایی کودکان با «شاهنامه»

این، نمایش‌هایی توسط کودکان و با داستان‌های شاهنامه اجرا شدند و یک نمایش عروسکی با کارگردانی شهناز روستایی می‌یکی دیگر از برنامه‌های این جشن بود. شش کارگاه هم از ابتدا تا انتهای جشن، همراه بچه‌ها کار می‌کردند. این کارگاه‌ها شامل، کارگاه عروسک‌سازی، کارگاه پرده‌سازی، کارگاه ماسک‌سازی، کارگاه کاردستی، کارگاه طبیعت و محیط‌زیست و کارگاه نقاشی بودند. غرفه‌ای هم برای فروش کتاب‌ها و سی‌دی‌های شاهنامه وجود داشت. شاید هفت، هشت‌ساعت برنامه برای آشنایی کودکان با شاهنامه کافی نباشد اما بی‌شک فرصت مغتنمی است تا بچه‌ها با این کتاب مهم و اثرگذار ادب و فرهنگ سرزمینشان آشنا شوند و نسبت به محتوای آن کنجکاو شوند.